

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شاپا: 1735-739X

دوره ۱۴، شماره ۱ (پیاپی ۷۱)، پاییز ۱۴۰۱

Doi: 10.29252/piaj.2022.226260.1227

صفحات: ۴۳-۶۷

گفتمان امنیتی غرب آسیا از منظر اندیشکده‌های راهبردی روسیه

مه‌دی هدایتی شهیدانی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

محمدرضا لارتنی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

چکیده

در پاسخ به چالش‌ها و معضلات امنیتی در سطوح خارجی (منطقه‌ای - جهانی)، سیاست‌های امنیتی کنشگران بر پایه پویش‌های محیطی طرح‌ریزی و پیگیری می‌شود. در مراکز مطالعاتی روسیه، اهداف امنیتی برگرفته از یک محیط‌شناسی بوده و بر پایه جغرافیای سیاسی اولویت می‌یابد. ساختارهای حاکم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی درک شده در هر محیط از سوی این مراکز، بازتاب شرایط امن نسبت به منافع و خواسته‌های کرملین می‌باشد. این پرداخت روسی از امنیت و محیط در غرب آسیا بر اساس تبیین نیازها، منافع و پیامدهای هر رفتار و تصمیم دولت روسیه در میان محققان روس شکل گرفته و در نهایت به یک گفتمان امنیتی دست می‌یابند. این نوشتار با هدف شناخت مبنای استراتژی کلان و دکترین‌های امنیتی اندیشکده‌های روسی در رابطه با محیط غرب آسیا، سؤال اصلی خود را بدین صورت بیان می‌دارد: اندیشکده‌های رسمی و تصمیم‌ساز روسیه چه نگرش، تبیین، دامنه و عناصری پیرامون مفهوم امنیت در محیط غرب آسیا دارند؟ پژوهش حاضر فرضیه خود را بر اساس تعریف مدل‌ول امنیت از سوی اندیشکده‌های راهبردی روسیه در سطح منطقه‌ای و جهانی به ویژه منطقه غرب آسیا، بر پایه زیست تاریخی، جغرافیای وطنی و هویت درک شده توسط روس‌ها و با هدف چگونگی تعریف و تحقق منافع و اولویت‌های مادی روسیه قرار داده است. این مقاله در چارچوب نظریه سازه‌انگاری به تأویل نگاه و فهم روسی از محیط امنیتی در غرب آسیا می‌پردازد. نوشتار پیش‌رو برای دستیابی به یافته‌های قابل‌انکا و مورد نظر، با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای (مکتوب و الکترونیکی) به انجام رسیده است. در پایان برای نتیجه‌گیری سریع‌تر با بهره‌گیری از تحلیل‌های مبتنی بر مطالب اندیشکده‌های روسی، یافته‌های پژوهش در سه بعد محوری و نه مؤلفه‌های اصلی بیان خواهد شد.

واژگان کلیدی: اندیشکده، گفتمان امنیتی، روسیه، غرب آسیا، محیط‌شناسی.

* دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول). mehdi.hedayati88@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان. m.r.larti1991@gmail.com

مقدمه

پهنه وسیع غرب آسیا همواره حامل رویدادهای مختلف نظامی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی بوده که پیامدهای قابل توجه‌ای برای تعاملات جهانی داشته است. تنوع ساختارهای فرهنگی - تمدنی گاه متضاد و اختلاف‌های موجود در منطقه، زمینه‌ساز بروز چالش‌های سطحی یا بحران‌های ریشه‌ای در غرب آسیا شده است (Zvyagel'skaya & Surkov, 2019: 21). با در نظر گرفتن اهمیت استراتژیک این محیط در حوزه‌های نقل و انتقال (ارتباط دریایی و سرزمینی با سایر نقاط)، تبادل انرژی، مسایل امنیتی و اقتصادی، بی‌ثباتی در غرب آسیا مورد توجه سایر بازیگران تعیین‌کننده به ویژه روسیه خواهد بود. ثبات و همسویی دول منطقه برای پیشبرد اهداف قدرت‌های فرامنطقه‌ای جنبه حیاتی داشته و دارد. از سوی دیگر غرب آسیا بستر تقابل قدرت‌ها جهت شکل‌گیری آینده نظام بین‌الملل در حال گذار با نقش‌آفرینی روسیه می‌باشد. بخش‌های زیادی از غرب آسیا جنگ و هرج و مرج بی‌پایان را تجربه کرده‌اند. ضعف‌های ساختاری در بافت‌های سیاسی و امنیتی منطقه باعث فقدان یک نظم امنیتی جمعی گردیده است. همچنین مجموعه‌ای از تضادهای چندلایه هویتی، فکری، تاریخی و عدم اشتراک منافع، ممکن است آینده روشنی را برای امنیت غرب آسیا نوید ندهد. با توجه به اهمیت موقعیت جغرافیایی ذکر شده پیرامون غرب آسیا و حضور نظامی فزاینده کرملین در سطح منطقه، روسیه به عنوان یک بازیگر قدرتمند حاضر در محیط غرب آسیا، نیاز مبرمی به بازشناسی این منطقه با اولویت‌های امنیتی در همه حوزه‌های اقتصادی (درآمدهای صادراتی و منافع انرژی)، سیاسی (رهبری و تقابل با آمریکا)، انسانی و نظم گسترده خواهد داشت (Glazova, 2017: 2).

بنابراین استقرار یک معماری امنیتی جمعی در غرب آسیا که حافظ منافع روسیه در درجه اول و قطبیت و توزیع قدرت مطلوبش در گام بعدی، برای این کشور بسیار مهم است. در این شرایط مرحله تازه‌ای از محیط‌شناسی خارجی در گستره سرزمینی پیچیده و مخاطره‌آمیز غرب آسیا برای پیگیری مطالبات آینده در میان اندیشکده‌های روسی طی سال‌های گذشته آغاز شده است. در سال‌های اخیر غرب آسیا در نسبت با سایر مناطق، مرکز تقابل میان قدرت‌های بزرگ بوده است. روسیه به عنوان یکی از کنشگران مهم و تأثیرگذار در سیر شکل‌گیری نظم امنیتی جدید منطقه غرب آسیا، در حال رقابت و همکاری با سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به طور خاص با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد (نوری، ۱۳۹۹: ۳-۵).

تعاملاتی دوجانبه‌ای که با توجه به شرایط پیش روی کشور در عرصه خارجی، در ایجاد

شرایط محیطی و نتایج عملی مورد نظر می‌تواند مفید واقع شود. بنابراین باید الگوهای رفتاری مسکو در جریان پدیده‌ها یا بحران‌های جاری با دقت و آینده‌نگری مورد بررسی قرار گیرد. در همین رابطه آگاهی از چارچوب و عناصر روابط منطقه‌ای و محرک‌های رفتاری در سیاست خارجی منطقه‌ای روسیه و همچنین مؤلفه‌های مؤثر در درک جغرافیای سیاسی غرب آسیا از منظر روسیه در بستر روابط دو - چندجانبه ضروری جلوه می‌کند. ادامه این روند هم‌گرایی میان دو کشور با در نظر گرفتن محدودیت‌های ساختاری روسیه نسبت به تهران، به جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به جایگاه و اهداف انتظاری کمک خواهد کرد (هدایتی و لازتی، ۱۳۹۹: ۳-۴).

اما لازمه چنین امری تعمیق و پایدار کردن این همکاری‌های امنیتی با فهم درست، علمی و عینی استراتژی‌های کلان روسیه در رابطه با محیط غرب آسیا است. مسئله اصلی این پژوهش ارائه یک تصویر جامع، نو و بنیادین در مورد گفتمان امنیتی روس‌ها است به طوری که نقاط احتمالی برخورد با خواسته‌های و نیازهای جمهوری اسلامی ایران برجسته گردد. تاکنون در روسیه، محیط‌شناسی خارجی از جنبه نظم و مناسبات امنیتی به منظور اجرای کارآمد خواسته‌های آینده این کشور برحسب شرایط مکانی و نسبت‌سنجی با عوامل بازدارنده ضرورت داشته است. این اراده اثبات می‌کند که دنبال نمودن یک گفتمان امنیتی جهت پایش موانع و تهدیدات سرزمینی برای روس‌ها امری حیاتی تلقی می‌گردد. محیط امنیتی یک محدوده‌ای جغرافیایی است که فرصت‌ها و تهدیدهای یک کشور در آن تعریف شده و به شدت تحت تأثیر متغیرهای محیط داخلی و بین‌المللی است (امینیان، ۱۳۹۰: ۶).

بنابراین محیط را می‌توان به معنی فضای تشخیص، دسته‌بندی و پیگیری نیازها و تهدیدات امنیتی تا رسیدن به هدف تعریف کرد. محیط امنیتی هر کشور با کوچک و بزرگ شدن قدرت و دامنه نفوذ هر بازیگر متفاوت است؛ بر همین اساس یک قدرت بزرگ جهانی چون روسیه ممکن است در سراسر جهان دارای منافع باشد. در فرآیند محیط‌شناسی، ابتدا موقعیت پیرامونی یک کشور تبیین و سپس سایر مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... در نسبت با آن محیط تعریف می‌گردند. به عبارت دیگر تحلیل آنچه در پیرامون یک موضوع در زمان و مکانی خاص برای درک وجود دارد. شناسایی این پدیده‌ها و فرآیند شکل‌گیری آن‌ها از زوایا و جنبه‌های مختلف، کمک شایان توجهی را به نهادها و سازمان‌های مسئول حفظ امنیت در کشور روسیه می‌نماید.

اما آنچه بیش از سایر مؤلفه‌ها برای اتاق‌های فکر روسی در خصوص کالبد شکافی محیط

امنیتی حائز اهمیت است؛ سنجش شرایط، عمق، دامنه، زمان و مکان دگرگونی تهدیدات محیطی رخ داده می‌باشد. با هدف شناخت مبنای استراتژی کلان و دکترین‌های امنیتی اندیشکده‌های روسی در رابطه با محیط غرب آسیا، این مقاله سؤال اصلی خود را بدین صورت بیان می‌دارد: اندیشکده‌های رسمی و تصمیم‌ساز روسیه چه نگرش، تبیین، دامنه و عناصری پیرامون مفهوم امنیت در محیط غرب آسیا دارند؟ پژوهش حاضر فرضیه خود را بر اساس زیست تاریخی، جغرافیای وطنی و هویت تعریف شده از سوی اندیشکده‌های راهبردی روسیه در سطح منطقه‌ای و جهانی، با هدف چگونگی تعریف و تحقق منافع و اولویت‌های مادی روسیه به ویژه در منطقه غرب آسیا قرار داده است.

چارچوب نظری

از دهه ۱۹۹۰ به این سو، شاهد مجموعه‌ای از رهیافت‌های فکری نو و متنوعی در روابط بین‌الملل هستیم که دریافته‌های مختلفی از روابط میان ملت‌ها مطرح و حتی جریان‌های تحلیلی متعارضی از سیاست بین‌الملل را ابراز کرده‌اند. این گونه رویه‌ها علاوه بر بنیاد نظام بین‌الملل و منطق رفتاری دولت‌ها، تاریخ رخدادهای جهانی را نیز به شکلی متمایز فهم کرده و تصویری متباین از آن نمایش می‌دهند. به همین دلیل، فاصله شناختی زیادی در ارتباط با جستار امنیت و محیط‌شناسی از دریچه تهدیدهای امنیتی میان نظریه‌پردازان دیده می‌شود. امنیت باید به روشی مفهوم‌سازی شود تا ارکان چندپاره آن از چشم تصمیم‌گیران آشکار گردد. پس باید هم ویژگی‌های نظامی و فیزیکی و هم بر سازه‌های معنایی تأکید شود. سازه‌انگاری یکی از جدی‌ترین مکاتبی است که در حوزه مطالعات امنیت گام‌های مفیدی را در این مسیر برای بسط و پیشرفت مفهوم امنیت برداشته و خصلتی چندلایه‌ای به آن بخشیده است. با پیش‌فرض‌های گفته شده، نگارندگان در راه پیشبرد ادعای خود در رابطه با ترسیم وجوه دیدگاه امنیتی حاکم از دل کنش‌های روسیه در غرب آسیا و از نگاه مراکز تصمیم‌ساز آن، بنیاد و شیوه تفکر نظریه‌سازانگاری را در کانون توجه و تمرکز قرار داده‌اند.

زاویه دید این رویکرد به مقوله امنیت، صرفاً نبود خطر نبرد نظامی با منشائی از ورای مرزها نیست، بلکه با بینشی ژرف و جامع، امنیت را وضعیتی برای خلق اسباب درونی و بیرونی جهت پیشرفت نظامی، ایمن‌سازی یک سرزمین و هم فراهم آوردن شرایط توسعه سیاسی، اقتصادی و انسانی می‌داند. در چنین تعریفی کنشگر سرشتی پویا یافته و محیط‌شناسی ناهمسانی

را بر مبنای خواسته‌ها و عوامل درونیش ترسیم می‌کند. در قالب اندیشه سازه‌انگاری، در سازه امنیت چهار ضابطه اصلی دیده می‌شود: ۱. هنجار ۲. فرهنگ ۳. هویت ۴. جامعه امنیتی (Flockhart, 2012: 80 – 83).

هنجار؛ نظریه سازه‌انگاری اشاره دارد که بستر تکوین و قوام‌بخش سیاست خارجی و برداشت‌های امنیتی کشورها، هنجار و باورها است. ساختارهای فکری به دو صورت بر کنش و رفتار دولت‌ها تأثیر عمیق می‌گذارند: نخست، تعیین می‌کنند که کشورها چگونه محیط امنیتی و مادی خود را تغییر دهند یا چه اقدامات و باز خوردی از خود نشان دهند. دوم، شکل دهنده برنامه‌ها و دیدگاه کل نگر دولت‌ها در قالب نظام‌های منطقه‌ای یا جهانی می‌باشند. دنیای بدون ارزش و هنجار یا جهان نامعلوم، به مراتب از حالت آشوب‌زدگی ناامن‌تر و خطرناک‌تر است. بازیگران در تعامل متقابل اجتماعی خود، بر اساس عقاید و تصورات ذهنی عمل می‌نمایند. اینگونه واقعیت ساخته شده‌ای دارای عینیت مستقلی نبوده و در شرایط زمانی و مکانی مختلف بازتعریف و به دست می‌آید. هدف اصلی سازه‌انگاران آشکار نمودن چگونگی تناسب میان انگاره‌ها و کنش‌ها است. به گونه‌ای که برخی از اعمال را امکان‌پذیر و برخی را ناممکن می‌سازند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۹).

فرهنگ؛ باور سازه‌انگاران بر آن است که فرهنگ به مثابه یک نظام معنایی با ماهیت بین‌الذلهانی، برساخته اجتماعی و زمینه پرورده است و بستگی به بستر تاریخی، فرهنگی و سیاسی - اجتماعی دارد که در آن قرار می‌گیرد. ویژگی‌های انسانی و جغرافیای کشورها نقش سازنده و توصیف کننده مجموعه وسیعی از ارجحیت‌های امنیتی و دفاعی هستند. ساختارهای فرهنگی شامل منابع مادی و معنایی برای کنش انسانی هستند (Wendt, 1995: 75). پیوند وثیق نظریه‌های فرهنگی به باورهای فیزیکی و روانی حوزه امنیت حائز اهمیت است. می‌توان از چهار نوع نظریه فرهنگی برای مدل‌سازی و تبیین مسائل امنیتی نام برد: رویکرد سازمانی؛ سیاسی؛ استراتژیک و جهانی می‌شود (افتخاری، ۱۳۷۹: ۲۹).

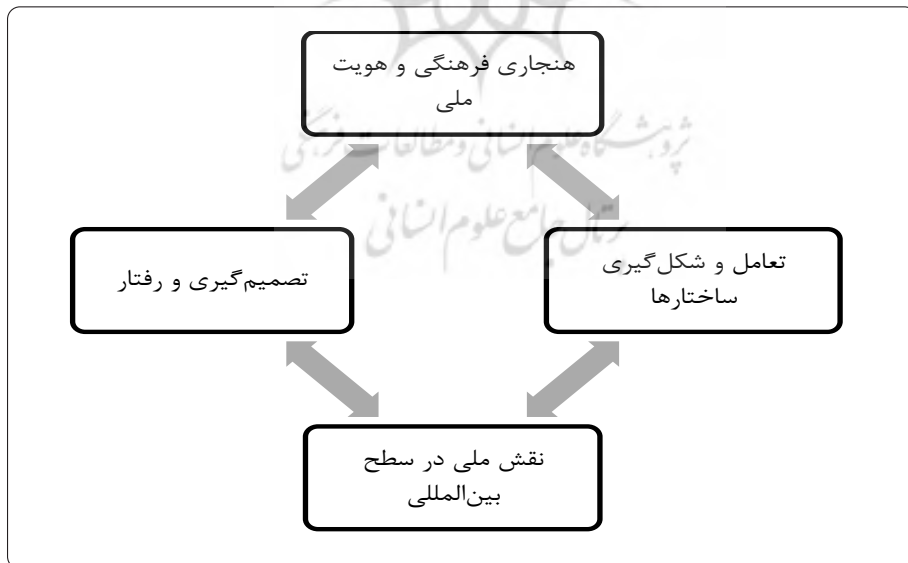
هویت؛ هویت به عنوان یک مدلول بین‌ذلهانی، از یکسو حاصل بازتولید مداوم در عرصه داخلی و از سوی دیگر نتیجه تعاملات بین‌المللی در صحنه برون مرزی است. سازه‌انگاری با تشریح جایگاه تعدیل‌کننده "نقش" در عملکرد یک بازیگر توضیح می‌دهد که چگونه این عنصر در حوزه عمل، اولویت‌های خاصی را در بر گرفته و منافع معین دیگری را نادیده می‌گیرد. می‌توان گفت که هویت‌ها و منافع با واسطه‌گری "نقش" طی فرآیندهای اجتماعی (مانند ساختار و

کارگزار) استمرار می‌یابد. شکل‌گیری و تغییر چنین ساختاری نیازمند زمان طولانی بوده و در چارچوب شاخصه‌های روانی و مادی میسر خواهد شد.

جامعه‌امنیتی؛ اجتماع در معنای جامعه‌شناسانه آن دربرگیرنده عنصر تعلق نسبتاً پایدار و وابستگی فکری است. چنین تفضیلی حاوی سنبل‌هایی است که دولت‌ها را قادر به درک و پیش‌بینی رفتار امنیتی یکدیگر در سطح فراملی می‌نماید. تعهدات مشترکی که در یک محیط مشخص، نقش قاطعی برای حفظ همکاری امنیتی و بازدارندگی از وقوع جنگ بازی می‌کند. زمینه اجتماعی امنیت شامل عناصری چون خویش‌داری از شروع جنگ، اطمینان متقابل، احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر و بازی با حاصل جمع مثبت در حوزه امنیت خواهد بود. ریشه‌های این جوامع امنیتی می‌تواند به گونه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی هویتی و امنیتی تقسیم‌گردد (هدایتی و لازتی، ۱۳۹۹: ۴).

در پژوهش پیش رو تلاش خواهد شد تا با بهره‌گیری از اصول سازه‌انگاری برای بنا نهادن یک الگوی تحلیلی متناسب با سیاست خارجی کشورها به منظور شناخت رفتاری بازیگران بهره‌جست. این الگوی تحلیلی بر همبستگی دو سویه میان عناصر به نمایش درآمده در شکل دوار زیر استوار است.

شکل ۱. الگوی تحلیل سیاست خارجی روسیه در غرب آسیا مبتنی بر رویکرد سازه‌انگاری



منبع: طرح استنتاجی نگارندگان

اندیشکده‌های تصمیم‌ساز پیرامون حوزه مطالعات امنیتی در روسیه

در نظر گرفتن کانون‌های تحقیقاتی در حوزه سیاست و امنیت بین‌المللی یا فرامرزی همچون اندیشکده‌ها توسط سایر محققان به عنوان مرجعی برای شناسایی روش محیط‌شناسی و همچنین استنباط زاویه دید پژوهشگران و تصمیم‌گیران روسیه پیرامون موضوع امنیت در منطقه غرب آسیا، یاری درخوری خواهد کرد. در ادامه روند پژوهش، با ارزیابی شماری زیادی از مراکز مطالعاتی فعال در روسیه، دست آخر با تکیه بر میزان کارایی، اعتبار، نفوذ و اثرگذاری هر یک از آنان بر عرصه علمی و فرآیند رسمی تصمیم‌گیری در این کشور، شماری از اندیشکده‌های ممتاز و با اهمیت دولتی و غیردولتی روسیه برای واکاوی و گزارش انتخاب شدند. مقصود از چنین غربالگری، کسب یافته‌ها و برآوردهای دقیق‌تر و تأویل درست و منطبق با اصول علمی بوده است. روسیه با در اختیار داشتن بیش از ۱۲۰ اندیشکده در جایگاه هشتم نظام رتبه‌بندی جهانی و همچنین جایگاه اول در میان کشورهای آسیای مرکزی، اروپای مرکزی و شرقی قرار دارد (McGann, 2016: 31-32).

راه مرسوم و اطمینان بخشی که برای فهم عینی انگیزه و اهداف کنشگری دولت‌ها، خوانش و بررسی اسناد منتشر شده از سوی مراکز مطالعاتی و استراتژیکی است که برای نخبگان اجرایی هر کشور به منزل چراغ راه خواهد بود. بنابراین مهم‌ترین اندیشکده‌های راهبردی و دفاعی - امنیتی روسیه که ابعاد و زوایای مختلف موضوع مقاله را مورد بررسی قرار داده‌اند، توجه شده است. طور خلاصه این مراکز پژوهشی شامل مؤسسات دولتی و غیردولتی روس زبان است. برای استخراج سریع و بدون اشتباه طرز تفکر و مدل تجزیه و تحلیل اندیشکده‌های روسیه، به چهار دسته (نظامی-دفاعی)، (سیاسی-امنیتی)، (تاریخی-هویتی)، (اقتصادی-انرژی‌پایه) تقسیم‌بندی شدند. نوع آوری در این طبقه‌بندی به سبب آثار و نوشته‌های تحلیلی منتشر شده از طرف اندیشکده‌ها انجام گرفته است. در هریک از بخش‌های چهارگانه، مقوله نظم جمعی و گفتمان امنیتی در غرب آسیا نقطه ثقل مباحث بوده است.

در حیطه نظامی - دفاعی بر اندیشکده‌های مرکز تحلیل راهبردها و فناوری‌ها^۱ و مرکز تحلیلی تجارت جهانی اسلحه^۲ بیشتر تکیه شده است. در حوزه سیاسی - امنیتی توجه بیشتر

1. Центр Анализа Стратегий и Технологий

2. Центр Анализа Мировой Торговли Оружием (ЦАМТО)

معطوف به اندیشکده‌های چون موسسه مطالعات راهبردی روسیه^۱، شورای امور بین‌الملل روسیه^۲، کارنگی مرکز مسکو^۳، باشگاه بحث والدای^۴ و شورای سیاست خارجی و دفاعی^۵ بوده است. در دایره تاریخی - هویتی بر موسسه‌های باشگاه فکری کاتھون^۶ و ژئوپلیتیک^۷، و در حوزه اقتصادی - انرژی بر مراکز تحلیلی دولت روسیه^۸ و تحقیقات راهبردی "شمال غربی"^۹ تأکید شده است.

دولت‌هایی که مدعی صحنه‌گردانی در نواحی مختلف گیتی نظیر روسیه، برای حفظ تصویر یا پرستیژ خود در قامت نیروی برتر و تضمین‌کننده، بخش بزرگی از اهتمام خود را بر ثبات قدرت سیاسی - امنیتی و تحکیم موضع خود متمرکز می‌کنند. بدین سبب شناسایی محدوده‌های حضور آنان اهمیتی دو چندان دارد. سنجش تهدیدات از جنبه‌های گوناگون و اقدامات فوری برای تقابل با آن‌ها پیش از به فرجام رسیدن، در دستور کار آنان می‌باشد. در زمان تألیف و گردآوری اسناد راهبردی، محیطی که در آن کنش و واکنش زمان‌بندی می‌شود؛ بر سازمان عمل‌کننده اثر گذاشته و از آن تأثیر می‌پذیرد. سازمان‌ها در چارچوب محیط، مسائل راهبردی را شناسایی می‌کنند و سپس به اتخاذ تصمیم می‌پردازند (جمشیدی و الهی، ۱۳۹۳: ۳۷).

تغییر عمق راهبردی در اسناد بالادستی و دکترین‌های امنیت ملی روسیه، روبه‌رو شدن با ریشه‌های خطرات در خارج از مرزهای ملی است. رویه حاکم بر کرملین هم جنبه تحمیلی دارد (به دلیل اقدامات منفی سایر قدرت‌ها)؛ و هم از وجه ارادی به سبب خواسته‌کنونی مقامات دولتی برای ایفای نقش جدی‌تر در پهنه جهانی برخوردار است. به دلایل شرایط منطقه‌ای و ملی ایران و ترسیم چشم‌اندازهای همکاری دو جانبه تهران - مسکو، از بین مناطق مختلف محیط غرب آسیا از سوی نگارندگان مورد کنکاش قرار گرفته است.

مراکز مطالعاتی روسیه در شکل‌دهی مبانی اندیشه‌ای و عناصر فکری و عملی استراتژیک

1. Российский Институт Стратегических Исследований (РИСИ)
2. Российский Совет по Международным Дела́м (РСМД)
3. Московский Центр Карнеги
4. Международный Дискуссионный Клуб «Валда́й»
5. Совет по Внешней и Оборонной Политики (СВОП)
6. Интеллектуальный Клуб КАТЕХОН: (Kathon)
7. Геополитика
8. Аналитический центр при Правительстве Российской Федерации
9. Центр Стратегических Разработок «Северо-Запад»

در سیاست خارجی مسکو جایگاه اساسی دارند. این موسسه‌ها وظیفه بررسی، جهت‌دهی و سیاست‌گذاری، هم‌فکری و تعریف اهداف و منافع ملی در ساختار حکمرانی را دارند. از سوی دیگر در هم‌تنیدگی اندیشکده‌ها با نهاد رسمی و غیررسمی و جامعه مدنی در روسیه مشخص است. در فضای نخبگی از طریق برگزاری سمینار و جلسات متعدد و فصلی با سازمان‌های مردم‌نهاد و شخصیت‌های کلیدی و تأثیرگذار در روسیه و سایر کشورها، یک شبکه ارتباطی در راستای خواسته‌های این کشور ایجاد کرده‌اند. برای مثال می‌توان گفت که انتشار مطالب و گفت‌و‌گو با نویسندگان ایرانی چون آقای دکتر سنایی سفیر سابق تهران در روسیه و از متخصصان روسیه در ایران یکی از این موارد است.

پروژه‌های پژوهشی، توصیه‌های عملی و ارائه الگوهای مفهومی و نظری در حوزه‌های مختلف به‌خصوص ابعاد اقتصادی و سیاسی داخلی و خارجی در دولت توسط اندیشکده‌های روسی انجام و نتایج منتشرشده است. در قالب انتشار کتب و مقالات و نگارش مطالب گوناگون در رسانه‌ها، تأثیرگذاری بسزایی در فرایند تصمیم‌سازی و ساختار تصمیم‌گیری حاکمیت دارند. یکی از حوزه‌های ثابت و موضوعات محوری در مطالب منتشرشده از سوی اندیشکده‌های روسی، محیط غرب آسیا بوده است. نخبگان سیاسی و اندیشمندان و صاحب‌نظران فعال در حوزه مطالعات امنیتی و سیاست خارجی روسیه از کارشناسان و همکاران اصلی این اتاق‌های فکر محسوب می‌شوند که بارها مناصب رسمی در حکومت پذیرفته‌اند. "الکساندر دوگین" از جمله این افراد شناخته شده است که جایگاه کنونی‌اش در کرملین بر کسی پوشیده نیست.

نگاه تاریخی روس‌ها به محیط غرب آسیا

به لحاظ تاریخی، این محیط حتی در طول جنگ سرد یکی از "میدان‌های جنگی" بود که اتحاد جماهیر شوروی سعی داشت نفوذ آمریکا را در آن محدود نماید. اما در حال حاضر سیاست مسکو در منطقه به طور عمده تحت تأثیر نگرانی‌های امنیتی در مبارزه با تروریسم، در میان بالاترین اولویت‌ها قرار گرفته است. برخی از اندیشمندان روس معتقدند که در منطقه‌ای که روابط شخصی بالایی دارد، پوتین زمان زیادی را صرف بازدید از کشورهای غرب آسیا از جمله ایران، اسرائیل، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و ترکیه کرده است. روسیه با تأکید بر اعتقاد خود به حاکمیت دولت‌ها، مخالفت با دخالت خارجی، تلاش می‌کند تا این نکته را نشان دهد که مشارکت مسکو در منطقه در حال تقویت است.

در حقیقت روسیه تلاش می‌نماید که در سیاست خاورمیانه‌ای خود، "رویکرد رهبری"^۱ را در پیش بگیرد. روسیه به وضوح متوجه گردیده که به تنهایی منابع و قدرت کافی برای افزایش مشارکت و مسئولیت اضافی در منطقه را ندارد و به سادگی قادر به پرداخت هزینه‌ها نیست. بنابراین مسکو دو برنامه اساسی در غرب آسیا را دارد: ابتدا تبدیل شدن به یک کنشگر در منطقه با ایجاد سازوکاری که در کنار قدرت‌های بزرگ در حل مشکلات منطقه‌ای شریک باشد. دوم: توان تأثیرگذاری عمیق در امور منطقه‌ای (Khlebnikov, 2017: 5).

غرب آسیا همواره به معنای امکان دسترسی به دریای مدیترانه، کشورهای مدیترانه شرقی و شمال آفریقا برای روسیه می‌باشد. هرگونه تهدید جنگی، تمرکز نیروهای خارجی، جنگ‌های داخلی و درگیری‌ها میان دولت‌های مستقر، می‌تواند نگرانی روسیه را به خود جلب کند. وجود جریان اندیشه‌های بنیادگرا در مرزهای جنوبی روسیه همچون قفقاز و آسیای مرکزی قادرند روسیه را به محیط آسیب‌پذیری تبدیل نمایند. سه هدف اصلی مسکو در این منطقه: ۱- تلاش برای پایان دادن به دخالت ایالات متحده و متحدان ناتو در امور داخلی کشورهای خاورمیانه که با هدف تغییر رژیم صورت پذیرفته است. ۲- در پیش گرفتن یک سیاست جدید فعال منطقه‌ای که نشان‌دهنده ایفای نقش این کشور در قامت یک بازیگر بزرگ بین‌المللی است. از این رو راهبرد مشارکت فعال در برنامه هسته‌ای ایران و دخالت در سوریه را پیاده کرده است. ۳- مورد سوم را می‌توان نتیجه موفقیت‌آمیز بودن هدف دوم در نظر گرفت. رهبری روسیه سعی در غلبه بر تحریم‌ها و انزوای سیاسی کشور پس از بحران اوکراین داشت (Zviagelskaya, 2015: 3-5). با این حال پس از وقایع سال ۲۰۲۲ (جنگ روسیه و اوکراین)، شرایط جدیدی در این حوزه پیش‌روی کرملین قرار گرفت.

علاقه روسیه به خاورمیانه و حضور روبه‌رشدش در منطقه، فراتر از دخالت در جنگ داخلی سوریه بود. سیاست فعلی روسیه در مورد غرب آسیا خلق محیط راهبردی متوازنی است که هیچ کشوری به اندازه کافی قدرتمند نباشد تا بتواند نقش غالب را به دست گیرد. در چنین توزیع قدرتی، عمل موازنه‌سازی مسکو شامل مشارکت هم‌زمان با بازیگران منطقه‌ای رقیب در قالب واسطه بی طرف است (Kortonuv and Divsallar, 2020: 20). چندین سال است که روسیه زمینه‌های همکاری با قدرت‌های مختلف منطقه‌ای نظیر: ایران، اسرائیل،

عربستان، حزب‌الله، حماس و ... را ایجاد کرده است. روسیه از سیاست هژمونی جهانی در امور محیط غرب آسیا به ویژه در منطقه خلیج حمایت نمی‌کند.

هرچ‌ومرچ منطقه‌ای و ضعف غرب در ترویج اهداف خود، علاوه بر تمایل کشورهای منطقه برای همکاری با نیروی متعادل‌کننده جدید، زمینه‌های خوبی برای مسکو فراهم کرده است تا نقش فعال‌تری در منطقه ایفا کند. در ادامه به بررسی نگاه محیطی و امنیتی روسیه نسبت به بازیگران مهم منطقه در چهار دسته پرداخته می‌شود. در این بخش با جدا کردن مطالعات محیط‌شناسی از حوادث منطقه‌ای مانند جنگ در سوریه، خیزش‌های عربی، بحران یمن و ...، تمرکز مطالب بر فهم نگاه حاکم، ذهنیت و سیاست‌های روسیه در منطقه از سوی اندیشکده‌های روسی می‌باشد.

انگیزه‌های همکاری با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

در اوایل دهه ۲۰۰۰، روسیه سطح تعاملات خود با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس^۱ (GCC) را با تأکید بر سیاست‌های عملی، مانند تشویق به گفت‌و‌گوی سیاسی و ایجاد روابط اقتصادی تغییر داد. این افزایش همکاری، فرصتی برای توسعه روابط تاریخی بین روسیه و کشورهای حوزه خلیج فارس را ایجاد کرد. تا به امروز چند دور مذاکرات بین شورای همکاری خلیج فارس و وزرای خارجه روسیه برگزار شده است؛ موضوعاتی نظیر: تروریسم بین‌المللی، روند صلح در منطقه، دزدی دریایی، تجارت مواد مخدر و راه‌حل‌های سیاسی برای بحران‌های عراق، لیبی، سوریه و یمن و روابط روسیه با ایران مورد بحث قرار گرفتند. برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و به ویژه عربستان سعودی، همکاری نظامی روسیه با ایران (از طریق فروش تجهیزات پیشرفته نظامی) و حمایت سیاسی از نظام سیاسی سوریه مسئله مهمی محسوب می‌شود.

کاهش تمایل آمریکا به حمایت از متحدین منطقه‌ای، موجب شده تا آن‌ها به روسیه به صورت یک تنوع راهبردی محتمل نگاه کنند و امیدوار باشند که روسیه در قبال ایران نقش مهمی را ایفا کند. اعضای شورای همکاری خلیج فارس درک و اهمیت روسیه را به عنوان یک بازیگر بزرگ جهانی و نقش بالقوه آن در منطقه مورد تأیید قرار می‌دهند، به طوری که تلاش کرده‌اند از اهرم‌های اقتصادی و سیاسی مختلف به منظور نزدیک شدن به روسیه استفاده

1. Cooperation Council for the Arab States of the Gulf

کنند. از نظر کارشناسان روسی، محافل تصمیم‌گیری اقتصادی و کسب و کار در روسیه درک ضعیفی از غرب آسیا دارند و بسیاری از فرصت‌ها تاکنون ناشناخته باقی مانده است (Aksenenok & Mahmood, 2017: 7-9).

کشور مؤثر و با اهمیت برای روس‌ها در این شورا عربستان سعودی است. "نوران الشیخ" در مقاله‌ای با عنوان "برقراری روابط جدید میان سعودی و روسیه" که در "باشگاه بحث والدای" نشر یافت، به نحوه تغییر ادراک سعودی‌ها نسبت به روسیه می‌پردازد. در این نوشته بر پایه یک نگاه واقع‌گرایانه و شرایط ژئوپلیتیک حاکم بر منطقه نشان داده شد که چرا و چگونه عربستان خواهان تعمیق روابط با روسیه است. واضح است که سعودی‌ها در تلاشند که منافع منطقه‌ای خود را حفظ کنند تا نقش اصلی خود را در دنیای اسلام تأیید کنند. با وجود این که در چارچوب ژئوپلیتیک کلان، سعودی‌ها به عنوان متحد منطقه‌ای ایالات متحده عمل می‌کنند، اما ریاض متوجه است که روسیه به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار بین‌المللی در منطقه تبدیل شده است. پوتین و شاهزاده سلمان در حاشیه یک انجمن اقتصادی در سنت پترزبورگ، شش قرارداد امضا کردند از جمله: قراردادهای همکاری فضایی، توسعه زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پیشرفته و توافقنامه همکاری هسته‌ای برای ساخت ۱۶ نیروگاه اتمی. به طور سنتی تجارت بین روسیه و کشورهای عربی به ویژه عربستان، بر محصولات کشاورزی و تسلیحات متمرکز است. عربستان سعودی خریدار عمده محصولات کشاورزی چون جو و به تازگی گندم از روسیه است. دو طرف همچنین بر سر برنامه توسعه صادرات مواد غذایی به ریاض شامل گوشت، محصولات لبنی و شیرینی نیز توافق کردند (Belenkaya, 2019: 2). در زمانی که شاهزاده سعودی سعی می‌کند تا با کاهش وابستگی به نفت یک ساختار مدرن به منظور تجدید بافت اقتصادی عربستان بنا نهد، به فناوری روسی در زمینه‌های مختلف و همکاری فنی با مسکو نیاز دارد. مسکو نیز به دنبال جذب سرمایه سعودی است. میان مقامات طرفین توافق شده است که دو صندوق سرمایه‌گذاری و حمایتی را تأسیس کنند که اولی با ارزش ۱۰ میلیارد دلار، و دیگری با کمک یک میلیارد دلاری به سرمایه‌گذاری در بخش نفت می‌پردازد (ElSheikh, 2017: 2).

تقابل روسیه و قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای در محیط غرب آسیا

آن چه که در سال‌های اخیر در محیط غرب آسیا به وضوح قابل مشاهده است، عدم تمایل ایفای نقش آمریکا در موضوعات آن می‌باشد. به تعبیر برخی از تحلیل‌گران، مقامات سیاسی

و فکری ایالات متحده به وضوح از فعل و انفعالات غرب آسیا خسته شده‌اند و تردید فراوانی در مورد توانایی ایالات متحده در مسیر توسعه منطقه دارند. به عنوان نمونه این واقعیت که ایالات متحده با "انقلاب شیل" به خودکفایی انرژی دست یافته است، خارج شدن این محیط از اولویت سیاست خارجی واشنگتن را توجیه می‌کند. آمریکا تجربه دردناکی را در خاورمیانه طی بیش از دو دهه گذشته کسب کرده که نشانه‌هایی از جذب آن توسط نخبگان آمریکایی دیده می‌شود. این کشور در بحران سوریه بسیار محتاط‌تر از قبل در عراق و اکنون در لیبی بسیار محافظه‌کارانه‌تر از قبل در عراق عمل می‌کند (Sushentsov, 2021: 2).

هرگونه سیاست "مه‌ار" احتمالی علیه روسیه توسط واشنگتن احتمالاً پرداختن به حضور و سیاست‌های روسیه در غرب آسیا را منتفی نخواهد کرد. بنابراین مه‌ار روسیه به عنوان یک رقیب جانشین در قالب رویکردی نرم‌افزارانه در دستور کار آمریکا به عنوان معادله‌ای دائمی در جریان خواهد بود. هدف دیپلماسی عمومی ایالات متحده در منطقه، ارائه تصویری جذاب از این کشور به عنوان جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک با فرصت‌های برابر است. ایالات متحده در تلاش است تا گروه‌های هدف را متقاعد کند که دشمن نیست بلکه در تقویت صلح و امنیت منطقه تلاش دارد. با توجه به مشخصات جمعیتی و فرهنگی - اجتماعی منطقه، ایالات متحده بر کار روی جوانان تمرکز نموده است.

روشنفکرانی که ممکن است در زمینه‌ها و مشاغل گوناگون در آینده، رهبر افکار عمومی شوند، به علاوه، لزوماً نباید طرفدار آمریکا باشند بلکه همدلی کافی است. روسیه جایگزین ایالات متحده در منطقه نشده است. اگرچه ممکن است این تصور پس از موفقیت در کارزار سوریه تقویت گردد. مشارکت روسیه در درگیری‌های سوریه در برابر برنامه قدرت نرم آمریکا در منطقه ارزیابی می‌شود. محافل سیاسی غرب درگیر یک بحث انتقادی درباره نقش رو به رشد روسیه در غرب آسیا در کنار افول نفوذ آمریکا هستند. در همین رابطه برخی از خطوط استراتژی کرملین قابل مشاهده است: افزایش تعداد قراردادهای تامین سلاح، برقراری همکاری نظامی و فنی با تعدادی از کشورهای منطقه، خود را به عنوان واسطه در مناطق اصلی درگیری معرفی کردن، تحویل کمک‌های بشردوستانه به کشورهایی که در یک شرایط دشوار در مبارزه با COVID-19 قرار دارند و ...

1. Containment Policy

2. Decline

اگر روسیه بخواهد از رویکردهای خود یک حسابرسی موشکافانه انجام دهد، از تأمل انتقادی درباره تجربه ایالات متحده در زمینه طرح قدرت نرم در منطقه سود می‌برد. ابزار قدرت نرم مورد استفاده ایالات متحده در غرب آسیا با فعالیت آن‌ها در مناطق دیگر تفاوت ندارد: غرب زدگی نخبگان، برنامه‌های تبادل آموزشی و فرهنگی، حمایت از جامعه مدنی و برخی رسانه‌ها، ترویج زبان انگلیسی و ... مردم محلی ضمن رد سیاست عمومی دولت آمریکا در قبال این محیط، به راحتی آموزش، فرهنگ و محصولات تجاری آمریکایی را می‌پذیرند.

ضدآمریکایی بودن توده مردم در بسیاری از جوامع غرب آسیا و جهان اسلام، با اقدامات نظامی آمریکا یا تشدید تنش‌های اعراب و اسرائیل تعمیق می‌گردد. این شرایط مسکو را در محیطی قرار می‌دهد تا خود را برای ایفای نقش مهم جهت برقراری صلح، ثبات و مدیریت تحولات در کل منطقه پیدا کند. جهان اسلام تقریباً برای چند دهه قربانی تمایلات جهان‌گشایانه کشورهای غربی (ایالات متحده، ناتو و متحدانش) بود. میلیون‌ها مسلمان کشته، بی‌خانمان و ناچار به نقل مکان به اردوگاه‌های پناهندگان در کشورهای خود یا مهاجرت به کشورهای دیگر شدند. زیرساخت‌ها، کشاورزی و محصولات تولیدی از بین رفت. تجارت، اقتصاد، زندگی مدنی، ساختار اجتماعی و ... آسیب دید (Awan, 2021: 3).

همچون بسیاری از بازیگران، برای روسیه نیز انتخاب راهبرد ارتباطی صحیح در هر حوزه خاص بسیار مهم است: گاهی اوقات روسیه نیاز به ایجاد تصویر مثبت از خود در محیط غرب آسیا (به عنوان نمونه در سوریه و مصر) دارد؛ در سایر موارد باید آن را بهبود بخشد. یک انتقاد همیشگی نسبت به طرح قدرت نرم روسیه وجود دارد، و آن عدم وجود هرگونه ایدئولوژی جذاب منحصربفرد در سیاست خارجی این کشور است. از منظر سوچکوف^۱ -تحلیل‌گر روس- برخلاف رویکرد مداخله‌جویانه آمریکا و اروپا در استفاده از ابزارها و اهداف قدرت نرم، رویکرد روسیه در بهره‌برداری از این توانمندی منعکس‌کننده اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورهای غرب آسیا، از یک سو و جهت‌گیری همکاری همه‌جانبه از سوی دیگر است؛ یعنی بدون تعدی به سنت‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ و نظام‌های سیاسی این کشورها (Suchkov, 2020: 6).

اشکال دیگر رقابت میان روسیه و سایر کنشگران فعال در محیط امنیتی غرب آسیا را باید در حوزه‌های سخت‌افزاری جستجو کرد. به عنوان نمونه روسیه عناصر فناوری هسته‌ای را به

1. Maxim Suchkov

غرب آسیا صادر می‌کند. قراردادهایی را برای ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران، اردن و مصر منعقد کرده و مذاکرات با عربستان سعودی نیز در حال انجام است. همچنین وابستگی شدید روسیه و منطقه به درآمدهای نفت و گاز با توجه تغییرات آینده در بازار انرژی، از جمله سیاست‌های تغییرات آب و هوایی برای حذف تدریجی استفاده از سوخت‌های آلاینده^۱، به چالش کشیده خواهد شد (Monika & Vurmus, 2021: 5). البته این نکته محتمل است که آشفته‌نگی غرب آسیا با خطرات ژئوپلیتیکی قابل پیش‌بینی در تولید و حمل‌ونقل منابع نفتی، به تقویت موقعیت روسیه به عنوان منبع پایدار انرژی کمک می‌کند. افزایش تنش‌ها در مسیر ترانزیت تجاری و انرژی خلیج فارس ممکن است جذابیت مسیر دریایی شمالی روسیه را به عنوان جایگزین افزایش دهد (Divsallar & Kortunov, 2020: 12).

اگرچه نباید از این موضوع غافل شد که به دلیل اهمیت مسیرهای ترابری جهانی و رشد بالقوه نیاز به انرژی، بازارهای مصرف در اروپا به طور روزافزون بر مدیترانه شرقی^۲ تمرکز کرده‌اند. مدیترانه شرقی در نقطه اتصال آفریقا، غرب آسیا و اروپا قرار دارد که این امر آن را به گروگان‌دگرگیری‌های قدیمی تبدیل کرده و هم‌زمان فرصت‌های خاصی را برای روسیه ایجاد می‌کند. لازم به یادآوری است که ذخایر گاز در قفسه مدیترانه‌ای کشف شده در قرن ۲۱ بیش از ۳/۸ تریلیون مترمکعب است. یکی از عناصر کلیدی سیاست خارجی روسیه در زیر منطقه مدیترانه شرقی و به صورت گسترده در غرب آسیا، تمایل به تضمین تعامل پایدار میان بازیگران اصلی انرژی است.

از این منظر توجه مسکو به مسائل این منطقه سه علت اساسی دارد: (۱) نیاز به تضمین ثبات در بازار نفت با ایجاد فرمت‌های ائتلافی برای تنظیم قیمت. (۲) صادرات انرژی هسته‌ای. (۳) نظارت و سهم خواهی در پروژه‌های اکتشاف، تولید و صادرات انرژی از منطقه. در میان اولویت‌های مسکو برای حضور در سوریه و مدیترانه شرقی نگرانی‌های ژئوپلیتیکی نیز دیده می‌شود. دستیابی به موقعیت برتر در دریای سیاه و دسترسی به دریای مدیترانه از طریق تنگه‌های بسفر و داردانل برای روسیه بسیار مهم است (Mamedov, 2021: 5). مسئله انتقال گاز طبیعی منطقه به اروپا زمینه اصطکاک در مدیترانه شرقی میان کشورهای این محیط و موجب نگرانی مسکو شده است.

1. Polluting fuels

2. Eastern Mediterranean

ایالات متحده گاز مدیترانه شرقی را به عنوان یک منبع بالقوه برای کاهش سهم گاز روسیه در بازار اروپا و افزایش سهم گاز خود نیز می‌بیند. برنامه‌های ساخت یک خط لوله انتقال به اروپا هنوز اجرا نشده است. با این حال در ۲ ژانویه ۲۰۲۰، یونان، قبرس و اسرائیل معاهده‌ای را برای ساخت خط لوله گاز (EastMed) به طول ۱۹۰۰ کیلومتر امضا کردند. ادعا می‌شود که این عمل به دلیل کاهش خطرات وابستگی به گاز روسیه مورد توجه اروپا و ایالات متحده است. پیش‌بینی می‌شود ساخت خط لوله گاز با ظرفیت ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال، تقریباً هفت سال طول بکشد. برای آمریکا دریای مدیترانه شرقی به عنوان دروازه دریایی ناتو^۱ به دریای سیاه یاد می‌شود (Mamedov, 2020: 5).

به غیر موارد ذکر شده، جزء اصلی تعامل روسیه با غرب آسیا، فروش تسلیحات نظامی است. حدود ۵۰٪ از فروش تسلیحات روسیه به منطقه روانه می‌گردد. مشارکت روسیه در خصومت‌های سوریه، نه تنها به مسکو اجازه آزمایش‌های میدانی طیف گسترده‌ای از سامانه‌ها و جنگ افزارهای جدید را داد؛ بلکه به عنوان یک تبلیغ متقاعدکننده برای تجهیزات نظامی روسیه عمل کرد. در حالی که تسلیحات نظامی ایالات متحده به عنوان استاندارد در منطقه تلقی می‌شدند؛ به دلایلی چون کندی تحویل و ناامیدی از شرایط سیاست خارجی پیرامون فروش آن، رهبران منطقه روسیه را به عنوان منبع جایگزین برای تأمین تسلیحات مورد نیاز خود می‌بینند.

موازنه‌سازی و مسئله اتحاد شیعی - روسی

اندیشکده استراتژیک "کاتھون" در بطن موضوع جنگ و بحران یمن و شرایط حاکم در منطقه به ایجاد یک اتحاد میان روس‌ها و جامعه شیعیان منطقه، می‌پردازد که در آن گزارش به علل و زمینه‌های چنین اتحادی اینگونه پرداخته شده است: "روسیه در سال‌های پیش تردید داشت، اما اکنون با یک خط‌مشی راهبردی (اتحاد روسیه - شیعه) مواجه هستیم. آیا مسکو باید یک جهت‌گیری فزاینده با شیعه را ارتقاء دهد؟ با وضعیت سوریه، روسیه به طور کامل در اتحاد روسیه و شیعه مشغول به کار است. در حال حاضر شاهد تعامل باز نظامی، استراتژیک، سیاسی، اطلاعاتی و اقتصادی در سوریه هستیم.

شیعیان بیشتر همگن هستند؛ در عراق، در حزب الله لبنان، در سوریه، از جمله در بحرین و حوثی‌ها در یمن. هلال شیعی ناحیه‌ای است که از نظر فرهنگی با سطح هوشیاری بالایی

محافظت می‌شود. دنیای سنی از درون با تضادهایی بین قطر و عربستان سعودی، عربستان سعودی و مصر، تقسیمات مختلف در داخل کشورهای سنی و همچنین اختلافات میان مغرب و کشورهای منطقه از هم جدا شده است. ما باید ماهیت این اتحاد پیچیده را به شکل یک استراتژی قاره‌ای در ژئوپلیتیک اسلام درک کنیم. اکنون می‌بینیم که این امر به نفع دو طرف است و یمن بخشی از این بازی بسیار مهم ژئوپلیتیک در غرب آسیا است" (Katehon, 2021: 1).

تحلیل‌گران سیاسی روسیه، با اشاره به جایگاه ژئوپلیتیک عالی ایران در غرب آسیا، خاطر نشان می‌کنند که ثبات و اقتدار سیاسی در ایران تأثیر مستقیمی بر کل منطقه خواهد داشت. با چنین درکی آن‌ها تأکید کرده‌اند که اگر روسیه واقعاً در مرزهای جنوبی خود به دنبال ثبات است، باید ایران را به عنوان یک متغیر مهم در سیاست خارجی خود در منطقه لحاظ کند. اگرچه برای تهران و مسکو مقدور نیست که به طور کامل از متغیر آمریکا به عنوان عاملی که روابط آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد عبور کنند، اما باید بر مبنای تجارب گذشته، رویکرد واقع‌گرایانه‌ای نسبت به این موضوع اتخاذ نمایند. تجربیات به وضوح نمایانگر آن است که اگر رویکرد سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران با وجود متغیر آمریکا تنظیم شود، در نهایت تنها به ارتقاء سیاست‌های توسعه‌ای واشنگتن در منطقه کمک می‌کند. اما در مجموع روابط میان مسکو - تهران حاوی عناصر مثبت بسیاری است که قابلیت رسیدن به سطح مشارکت استراتژیک را دارد (Kortunov, 2021: 3).

نادیده گرفتن دگرگونی‌هایی در محیط امنیتی پیرامون ایران مانند: کارزار اسرائیل علیه ایران در سوریه، خصومت شدید عربستان سعودی و اسرائیل نسبت به تهران و عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل (که می‌تواند به سرعت به یک اتحاد دفاعی با اعراب یا حتی یک تهدید نظامی علیه تهران تبدیل شود)، سبب شکل‌گیری به معادله پیچیده در روابط تهران-مسکو خواهد شد و در بلندمدت بر پویایی روابط دوجانبه تأثیر منفی می‌گذارد. طبق نظر مسکو، از دست دادن یک بازیگر منطقه‌ای مانند جمهوری اسلامی به معنای از دست دادن شریکی است که بار مقابله با نظم جهانی به رهبری آمریکا را میانشان تقسیم می‌کرد. تاکنون مخالفت‌های سرسختانه ایران با معماری امنیتی آمریکا در غرب آسیا موجب کاهش اعتبار واشنگتن و افزایش سهم منطقه‌ای مسکو گردیده است. به همین دلیل است که روسیه همیشه یک رویکرد متعادل در سیاست خارجی خود در رابطه با تهران را پی گرفته است (Fardin Eftekhari, 2021: 6).

اندیشکده "ژئوپلیتیک" در نوشته‌ای که به قلم جمعی از نویسندگان این مرکز فکری تهیه

و منتشر شده است، به پیش‌بینی وضعیت غرب آسیا در سال‌های پیش رو پرداخته است. در این مقاله نقش بزرگ و مؤثرتری برای جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در حفظ ثبات و آرامش در منطقه، در نظر گرفته شده است. از نکات مثبت و قابل توجه این یادداشت تحلیلی که در سایر پیش‌بینی‌های میان‌مدت اندیشکده ژئوپلیتیک نیز مشابه آن دیده می‌شود؛ بررسی جامع رقابت‌ها و تضادهای منطقه‌ای^۱ در قالب یک نگاه سرزمینی و ژئوپلیتیکی است. از پیشنهادهاى جالب این مرکز، تأکید بر پررنگ کردن نفوذ و ترویج هر چه بیشتر جنبه‌های انقلابی اندیشه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در شرایط کنونی است؛ که از آن به نوعی "بازگشت به ریشه‌های کشورهای شیعی"^۲ نام می‌برد. این امر باعث نقش فعال‌تر و تعیین‌کننده‌تر ایران در سیاست‌های منطقه خواهد شد. تقابل نگرش انقلابی ایران با انقلاب‌های رنگی غربی از موضوعات مورد توجه در این مقاله است. تقریباً تمام الزامات ایجاد فضای بزرگ شیعه در مقایسه با ترکیه و سایر کشورهای سنی، نشان‌دهند گسترش ایدئولوژی شیعه می‌باشد (Geopolitics, 2018: 3-6).

نظم امنیتی فراگیر و مطلوب روسیه در محیط امنیتی غرب آسیا

به اذعان بسیاری از اتاق‌های فکر روسی، مسکو نیاز به توسعه یک فرمول برای تبدیل پیروزی‌های سخت‌افزاری خود به موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی بلندمدت در زمین منطقه دارد. اجرای این امر با نقش مؤثر کرملین در معماری امنیتی نوظهور میسر خواهد شد (Khlebnikov, 2020: 27). غرب آسیا در آشفته‌ترین حالت ممکن به سر می‌برد. فاقد یک سیستم منطقه‌ای شامل نهادها، توافق‌نامه‌ها و ترتیباتی است که روابط درون منطقه‌ای را تنظیم کند. این امر منجر به یک رقابت تسلیحاتی و توازن قوایی شده است که برهم زدن آن به معنای جنگ خواهد بود. غرب آسیا شاهد حضور چندین قدرت منطقه‌ای است که می‌خواهند از طریق پروژه‌های سیاسی متضاد به هژمونی منطقه‌ای دست یابند. جایی که دستور کار امنیتی بر اولویت‌های اقتصادی برتری دارد. وضعیت امنیتی و سیاسی سست حاکم بر منطقه در نتیجه شکست نظام‌های زیر منطقه‌ای آن است. به عنوان مثال: اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس در ایجاد یک استراتژی منطقه‌ای مبتنی بر شناسایی یکپارچه تهدیدها و منابع شکست خورده‌اند (Majdalani, 2021: 2).

"الکساندر دوگین" در نوشته‌ای که توسط اندیشکده "ژئوپلیتیک" منتشر شد؛ دیدگاه مقامات

1. Regional rivalries and contradictions
2. Return to the roots of Shiite countries

و تصمیم‌سازان روس را پیرامون سیستم امنیتی دلخواه مسکو برای منطقه غرب آسیا معرفی نمود. این نوشته که در قالب بررسی وضعیت قوم‌گرد نوشته شده، ریشه‌های فکری و تاریخی این سیستم پیشنهادی روسیه را تبیین می‌کند. چنین سیستمی از نگاه روس‌ها باید فراگیر بوده و شامل همه کشورهای منطقه از جمله اسرائیل، ایران و ترکیه باشد. روسیه به دنبال استقرار یک سیستم امنیتی جمعی تحت هدایت و نفوذ خود است که از طریق پی‌ریزی چنین طرحی، روسیه به جایگاه بی‌نظیر و محکمی در منطقه برسد. اولین نکته‌ای که باید در این پیشنهاد مورد توجه قرار گیرد هویت است. این الگوی روسی یک مدل پیچیده‌ای برای درک تفاوت‌های بین ملت و مردم خواهد بود. ملت یک مفهوم سیاسی^۱ است، در حالی که مردم یک هویت تاریخی^۲ است. همه افراد نمی‌توانند به یک ملت تبدیل شوند، همان‌طور که همه کشورها از یک فرد خاص تشکیل نمی‌شوند. تمام ملت‌ها، صرف‌نظر از اینکه آیا دولتی از آن خود تشکیل داده‌اند یا خیر، سطح خاصی از حفاظت را دریافت خواهند کرد. همان‌طور که در مورد خود روسیه، امپراتوری با اقلیت‌های متعدد ملی است. بنابراین محافظت از این گروه‌های قومی یا مردم در چارچوب طرح کرملین، یک اولویت است که قادر به حل بسیاری از مشکلات فرهنگی، تمدن، مذهبی و قومی در درون خود است.

می‌بینیم که جهان‌گردی که کردها آن را نمایندگی می‌کنند، توسط آمریکایی‌ها به عنوان ابزاری برای تحقق بخشیدن به منافع خود استفاده می‌شود (Dugin, 2016: 4-6). سیاست‌های ایالات متحده در غرب آسیا منعکس‌کننده دیدگاه نواستعماری^۳ آن است. استراتژی ایجاد «محورهای» رقیب برای حفظ منافع خود و به درازا کشیده شدن وضعیت قطبی میان دولت‌های مختلف منطقه را دنبال می‌کند. تلاش آمریکا مبنی بر بازسازی منطقه بر اساس محورها، جانشین ایده یک دولت به عنوان پلیس منطقه شده است. حتی اگر رژیم‌های محور دلخواه صرفاً دشمن ملت‌های خود باشند. اگرچه در نگاه اول به نظر می‌رسد که روسیه و ایران رویکردهای سازگار یا حتی مشابهی در قبال سازوکار نظم و امنیت منطقه دارند؛ در همین رابطه ایران از مفهوم امنیت جمعی روسیه برای خلیج فارس استقبال کرد و آن را در راستای ابتکارات دیپلماتیک خود، به ویژه ابتکار صلح هرمز^۴ دانست. اما از منظر روسیه مفهوم امنیت جمعی برای منطقه باید ماهیت و ساختار فراگیری

1. Political Concept
2. Historical Identity
3. Neo-colonial Perspective
4. Hormuz Peace Initiative

داشته باشد: ۱) تمرکز بر مشکلات سراسر غرب آسیا (فرا تر از خلیج فارس) و پرداختن به ابعاد امنیتی به شکل "یکپارچه" (نظامی، سیاسی، اقتصادی و بشردوستانه). ۲) اعضای این سیستم نه تنها همه کشورهای منطقه بلکه از آغاز شامل پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل باشد. جزئیات طرح روسیه برای یک فرایند امنیتی جامع در خاورمیانه از نظر شکل و ماهیت برای جمهوری اسلامی به دلایلی قابلیت پذیرش حداکثری نداشته باشد: ۱) چشم‌انداز ایجاد فرآیندی با مشارکت همه بازیگران منطقه به دلیل به رسمیت نشناختن اسرائیل توسط ایران. ۲) توانمندی موشکی ایران بخش ضروری از استراتژی دفاعی این کشور است که هدف آن تضمین بازدارندگی در برابر رقبا است. در حالی که دهه‌ها تحریم تسلیحاتی، تهران را از ارتقای توان نظامی خود به ویژه در حوزه پدافند هوایی بازداشته است، سایر کشورهای منطقه به کمک کشورهای غربی نیروهای مسلح خود را به طور قابل توجهی توسعه داده‌اند. ۳) در نهایت ایده روسیه مبنی بر گنجاندن اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد در روند پیشنهادی امنیت منطقه‌ای، در تضاد با دیدگاه جمهوری اسلامی است که امنیت در منطقه تنها از طریق گفتگوی مستقیم میان همسایگان و بدون دخالت بازیگران خارجی نتیجه‌بخش می‌داند (Azizi & Notte, 2021: 2).

نتیجه‌گیری

پردازش تحلیلی اطلاعات به دست آمده از اسناد و مطالب اندیشکده‌های برتر روسیه گویای این امر است که گرچه همواره عناصر ژئوپلیتیکی در آثار روسی یافت شده و ستون ویژگی‌های چشم‌انداز فضایی روسیه را شکل داده است؛ اما برای رسیدن به فرمول روسی، پژوهشکده‌های این کشور در کنار ژئوپلیتیک از دانش‌های تاریخ، جغرافیا، زبان‌شناسی، قوم‌نگاری، روانشناسی، فرهنگ‌شناسی بهره برده، سپس به ترسیم موقعیت روسیه در محیط‌های مشخص مانند غرب آسیا اقدام می‌کنند. در قدم بعدی محیط‌شناسی خویش به دنبال یافتن راه کارهایی جهت تعمیق نفوذ و پیشبرد برنامه‌های سیاست خارجی این کشور به عنوان یک قدرت بزرگ خواهند بود. به عقیده نگارندگان فرآیند کلیدی تجزیه و تحلیل محیط غرب آسیا در رشته بررسی‌های اندیشکده‌ها، شامل پنج مرحله است:

اول: شناسایی و اندازه‌گیری مخاطرات در ابعاد گوناگونی چون سیاسی، هویتی، اجتماعی - انسانی، اقتصادی و دفاعی - امنیتی. دوم: انجام آن دسته از اقداماتی که می‌تواند احتمال وقوع آسیب را کاهش دهد. سوم: اقدامات برای محدود کردن آسیب‌ها در صورت بروز تهدید. چهارم: خلق مکانیسم جمعی یا به عبارت بهتر اشتراک‌گذاری ریسک.

پنجم: چگونه نگرانی باقیمانده در محیط با اولویت چند جانبه‌گرایی جذب شود. تقریباً بخش مهمی از داده‌ها و مطالب از سوی اندیشکده‌های تصمیم‌ساز و امنیتی روسیه استخراج شده و در چارچوب موضوع مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات در حوزه‌های مختلف محیط غرب آسیا به صورت حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته مورد بررسی و تبیین قرار گرفت.

از همین رو به یک فرآیند جامع برای درک گفتمان امنیتی حاکم و تأثیرات آن بر محیط‌شناسی و نظم مطلوب روس‌ها دست یافتیم. توجه به کشورها و برنامه‌هایی که از منظر روسیه در محیط مورد بررسی ارجمیت دارند، معطوف شد. از پیوستگی و تلاقی حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی غفلت نشد. یک نگاه کلان در رابطه با امنیت غرب آسیا در دستور کار این پژوهش قرار گرفت. بنابراین از تأکید افراطی یا حداقلی بر روابط دوجانبه اجتناب شد. سعی شد ثابت شود که در بررسی‌های ارائه شده ابر استراتژی روسیه همواره بر سیاست خارجی این کشور حاکم است و با لحاظ ویژگی و شرایط هر محیط، یک زیر استراتژی متناسب با آن محیط و شرایط تعریف می‌گردد. لذا از این سطوح استراتژیک و عملی چشم‌پوشی نشد.

چگونگی بهره‌گیری از قدرت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری امنیت ملی از سوی روس‌ها بر اساس خط‌مشی که در اندیشکده‌ها سازماندهی می‌شود، به طور رسمی در اسناد رسمی و دکترین‌های امنیتی کرم‌لین مطرح شده است. عوامل اصلی چنین سازماندهی عبارت است از: الف) آثار جغرافیا بر روابط بین دولت‌ها؛ ب) روابط قدرت میان دولت‌ها؛ ج) وابستگی متقابل بازیگران و تهدیدات دول منطقه؛ د) الگوهای دوستی و دشمنی کمابیش پایدار میان دولت‌ها. بررسی‌های تجربی بر پایه نگاه تئوریک به صورت خلاصه در جدول زیر آمده است. در بعد امنیتی - نظامی مؤلفه تروریسم بر اساس نقش هویت و باور در نظریه‌ساز انگاری و مرتبط با افراط‌گرایان ساکن در مناطقی از خاک روسیه عنوان شده است. تهدیدی با درجه اهمیت بالا که کرم‌لین کنترل آن را در خارج از مرزهای خود و در غرب آسیا می‌بیند. متغیر موازنه قدرت از موضوعات چون فروش تسلیحات به دول منطقه و طرح امنیتی پیشنهادی از سوی مسکو استخراج شد و به دفعات در متن توضیح داده شد. که بر مفهوم جامعه امنیتی در نگاه سازه‌انگاران منطبق است. این جامعه بر اصول و قوانین مشترکی تأکید دارد که مورد توافق و احترام طرفین باشد و توسط قدرت‌های ایجادکننده پشتیبانی شود.

این مسئله از سوی کرم‌لین در غرب آسیا همواره در اجلاس‌های رسمی در مراکز و اندیشکده‌های روسی و همچنین میان سران کشورها دنبال شده است. آخرین عنصر سطح

امنیتی یعنی قدرت منطقه‌ای و مؤلفه هویت در بعد سیاسی را باید در اصل هویت و فرهنگ سازه‌انگاری دید که سبب شکل‌گیری الگوی رفتاری خاصی در میان مراکز و تصمیم‌گیران روس شده است. سازه‌انگاری توضیح می‌دهد که تجربه تاریخی - سرزمینی مردم روسیه در یک رابطه تکوینی متقابل سبب ایجاد هویت برتر انگاری و تأثیرگذاری شده است که آن را می‌توان در میان استراتژی کلان و منطقه‌ای روسیه دید و که در سه بخش کشورهای عربی، تقابل با قدرت‌ها و جمهوری اسلامی ایران به صورت جزئی و دقیق تبیین شده است.

دو شاخص عدم پذیرش و هزینه نقش‌آفرینی مسکو در روسیه در چارچوب عوامل مادی و غیرمادی سازه‌انگاری و در مطالب اندیشکده‌های روسی و در بخش نگاره تاریخ روس‌ها آورده شد که با پدیده‌های عینی و شرایط محیطی که روسیه با آن مواجه است قابل تأیید هست. در ابعاد اقتصادی عوامل مادی مطرح شده که با تکیه بر آن بخش از نظریه سازه‌انگاری در بر عوامل مادی تجزیه و تحلیل سیاست خارج و امنیت فیزیکی تکیه دارد؛ هماهنگ است. این موارد در متن به صورت فروش تسلیحات به کشورهای، روابط اقتصادی با بازیگران به ویژه کشورهای عربی و نیز برنامه مورد علاقه مسکو در زمینه انرژی و سرمایه‌گذاری مطرح شد. مجموعه عناصری که در غرب آسیا و در شرایط کنونی قابل استنباط است، به طور کلی از منظر نگارندگان ۳ بعد اصلی و ۹ عنصر محوری زیر است:

شکل ۲. الگوی مجموعه عناصر محیطی در منطقه غرب آسیا



منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، «امنیت در حال گذار: تحول معنای امنیت در قرن بیستم و یکم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۷۹. ۸-۲۷.
- امینیان، بهادر (۱۳۹۰)، «محیط امنیتی ایران و تحولات بیداری اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۰. ۵-۱۷.
- جمشیدی، محمد و الهی، ایرج (۱۳۹۳) «ارائه الگوی تحلیل محیط راهبردی سیاست خارجی ایران در حوزه آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۶، تابستان ۱۳۹۳. ۳۱-۶۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
- نوری، علیرضا (۱۳۹۸)، «موازنه و ثبات دوسطحی در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه؛ پیامدها بر امنیت و منافع ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸. ۷۳-۹۸.
- هدایتی شهیدانی، مهدی و لازتی، محمدرضا (۱۳۹۹)، «درک تهدید آثار آن بر رویکرد محیط‌شناسی اندیشکده‌های روسیه؛ با تأکید بر محیط آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۹۹. ۵۵-۷۲.
- Awan, Zamir Ahmed (2021), "Russia May Play Leadership Role in Middle-East Peace", Geopolitics, Available at: <https://www.geopolitica.ru>, (Accessed on: 27.10.2021).
- Akseenok, Aleksandr & Mahmood, Omar (2017), "Russia – GCC Relations After the Signing of the JCPOA with Iran", Russian International Affairs Council, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 07.11.2020).
- Belenkaya, Marianna (2019), "Should the United States Be Worried About Russian Activity in the Gulf?", Carengie Moscow Center, Available at: <http://carnegie.ru>, (Accessed on: 11.10.2021).
- Divsallar, Abdolrasool & Kortunov, Pyotr (2020), "The Fallout of the US-Iran Confrontation for Russia: Revisiting Factors in Moscow's Calculus", Russian International Affairs Council, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 06.11.2021).
- Dugin, Alexander (2016), "Kurdistan and the Greater Middle East", Geopolitics, Available at: <https://www.geopolitica.ru>, (Accessed on: 09.10.2021).

- Eftekhari, Fardin (2021), “Is Russia Preparing to Get Closer to Iran in the Biden Era?” Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 01.11.2021).
- ElSheikh, Nourhan (2017), “A New Launching for Russian Saudi Relations”, Valdai Discussion Club, Available at: <http://valdaiclub.com>, (Accessed on: 09.10.2021).
- Flochart, Trine (2012), “Constructivism and Foreign Policy”, In Steve Smith, Amelia Hadfield, and Tim Dunne, eds, Foreign Policy: Theories, Actors, Cases, Oxford University Press.
- Geopolitics (2018), “The Middle East: A Prognosis for 2018”, Geopolitics, Available at: <https://www.geopolitica.ru>, (Accessed on: 09.10.2021).
- Glazova, Anna (2017), “Russian policy in the Middle East”, Russian Institute for Strategic Studies, Available at: <https://en.riss.ru>, (Accessed on: 03.10.2021).
- Khlebnikov, Alexey (2017), “Middle East at the regional security crossroads”, Russian International Affairs Council, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 04.11.2021).
- Khlebnikov, Alexey (2020), “Russia and Iran in Syria and Beyond: Challenges Ahead”, Russian International Affairs Council, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 04.11.2021).
- Kortunov, Andrey (2021), “Russia and Iran: How Far from a Strategic Partnership?”, Russian International Affairs Council, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 18.11.2021).
- Majdalani, Ahmed (2021), “The Middle East and Great Power Politics”, Valdai Discussion Club, Available at: <http://valdaiclub.com>, (Accessed on: 09.10.2021).
- Malashenko, Aleksey (2021), “В Контексте Общей Нестабильности в Регионе В 2020-е Годы”, Institute of World Economy and International Relations of the Russian Academy of Sciences, Available at: <https://www.imemo.ru>, Accessed on: 27.10.2021).
- Mamedov, Ruslan (2017), “Moscow’s Iraq strategy: Make lots of friends”, Russian International Affairs Council, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 13.11.2021).

- Mamedov, Ruslan (2020), “The Energy Sector, Competition and Security in the Eastern Mediterranean”, Russian International Affairs Council, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 13.11.2021).
- Mamedov, Ruslan (2021), “Russia: Towards a Balance of Interests in the Eastern Mediterranean”, Russian International Affairs Council, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 13.11.2021).
- McGann, James, G (2016), Global Go to Think Tank Index Report 2020, University of Pennsylvania, ScholarlyCommons. Pennsylvania.
- Monika, Santa & Vurmus, Kristiny (2021), “Деятельность России и Китая на Ближнем Востоке”, Center for Strategic Assessment and forecasts, Available at: <http://csef.ru>, (Accessed on: 17.11.2021).
- Notte, Hanna & Azizi, Hamidreza (2021), “Will Iran Accept Russia’s Ideas for a Middle East Regional Security Process?”, Valdai Discussion Club, Available at: <http://valdaiclub.com>, (Accessed on: 15.010.2021).
- Suchkov, Maxim (2020), “Russia in the Middle East: “Be with Us — and Remain Yourself””, Russian International Affairs Council, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 15.11.2021).
- Wendt, Alexander (1995). “Constructing International Politics”, International Security, Vol, 20, Issue 1.
- Zviagelskaya, Irina & Surkov, Nikolay (2019), “Russian Policy in the Middle East: Dividends and Costs of the Big Game”, Russian International Affairs Council, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 02.11.2021).